

بانک درجامعه اسلامے



شہید سید محمد باقر صدر

ترجمہ جمال موسوی



شهید آیت اله سیدمحمد باقر صدر در بیست و پنجم ذی القعدة سال ۱۳۵۳ هجری قمری مصادف با ۱۹۳۴ میلادی و ۱۳۱۳ هجری شمسی در شهر کاظمین بدنیا آمد. پدرش «سید حیدر صدر» از دانشمندان بزرگ شیعه عراق و مادرش دختر «عبدالحسین آل یاسین» از مردان برجسته علمی و مذهبی عراق بود.

شهید صدر در سه سالگی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی برادر بزرگ آیت اله... «سیداسماعیل صدر» و دایه خود پرورش یافت. دروس ابتدائی خود را در مدرسه (منتدی النشر) فرا گرفت و در همان دوران ابتدائی بر فراز منبری که در صحن کاظمین قرار داشت به ایراد خطبه می پرداخت او در ۱۲ سالگی برای گذراندن دوره عالی حوزه به نجف اشرف رفت و در محضر شیخ محمدرضا آل یاسین، آیت اله سید اسماعیل خوئی شاگردی نمود. او در سن ۱۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید و در سن ۲۵ سالگی تدریس خود را در دروس عالی برای دانش پژوهان حوزه آغاز کرد و از عالی ترین کرسی تدریس برخوردار گشت.

او در سال ۱۳۷۷ هـ ق حزب الدعوه الاسلامیه را تأسیس نمود.

شهید صدر بیش از ۲۴ کتاب در زمینه های مختلف علوم دینی و اجتماعی به رشته تحریر در آورد که برخی از آنان عبارتند از: ۱- اقتصادنا ۲- الاسس المنطقیه لاستقراء ۳- الاسلام یقودالحیاه ۴- الابنک الربوی فی الاسلام ۵- یحوت حول الولایه ۶- فلسفتنا ۷- العالم الجدید الاصول ۸- فدک فی التاریخ ۹- بحوت حول المهدی (ع) ۱۰- الفتاوی الواضحه مطالعات و پژوهش های شگرف و عمیق او در مسائل کلان مثل هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، فلسفه تاریخ، ولایت، پاسخ گوی بسیاری از شبهات پژوهشگران می باشد.

کتاب «اقتصاد ما» حاوی نظرات اقتصادی او بر مبانی فقهی اسلام بوده و این کتاب نخستین تلاش علمی برای استخراج و تدوین نظام اقتصادی اسلام از احکام شریعت است.

زمانی که دکتر «محمد شوقی الفنجری» استاد اقتصاد دانشگاه قاهره به دیدار سیدمحمدباقر صدر در منزلش در نجف اشرف رفت از او پرسید که دانش آموخته در کدام یک از دانشگاه های جهان است؟ سیدمحمدباقر پاسخ داد که در هیچ دانشگاهی تحصیل نکرده و تنها در مساجد نجف تحصیل کرده است. دکتر شوقی به وی گفت: حقا که مساجد نجف بهتر از دانشگاه های اروپاست.

در سال ۱۴۰۰ هجری قمری مطابق با ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ هجری شمسی به دستور صدام حسین وی و خواهرش بنت الهدی دستگیر و در ۲۲ جمادی الاول به شهادت رسیدند.

* این جزوات بعد از سی سال از چاپ اول مجددا چاپ و در اختیار صاحب نظران و دوستداران این شهید بزرگوار قرار می گیرد.

در جوامع سرمایه داری، نقش اقتصادی بانک در دو نوع فعالیت مشخص می گردد:

یکی فعالیت سرمایه داری، یعنی عملی که در وام گرفتن یا بهره از طریق سپرده و آنگاه وام دادن با بهره بیشتر، از طریق تامین پول برای افراد یا موسسات تولیدی و بازرگانی تجسم گردد. و دیگر خدمات بانکی است. خدماتی که بانک آنها را در مقابل کارمزد انجام می دهد، از قبیل دریافت سفته ها و پرداخت چک ها، و خرید و فروش اوراق بهادار، و دریافت کوپن به وکالت از مشتریان، نقش واسطه در تنظیم سهام پاره ای از شرکت ها، انجام کارهایی مانند گشودن اعتبار، نگهداری برخی از کالاها از جانب صاحبانش و بسیاری از خدمات دیگر که همه جنبه علمی دارد یعنی نشان دهنده کار و کوشش و فعالیت مستقیم بانک است.

در دنیای سرمایه داری خدمات نوع دوم با همه اهمیتی که دارا می باشد، در مقابل فعالیت نوع اول، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. نقش اقتصادی بانک در جوامع سرمایه داری و تاثیر بنیادی اش روی زندگی اقتصادی قابل اهمیت است، در غرب نقش بانک بیشتر روی همین منظور اساسی دور می زند خدمات نوع دوم کشش و گسترش تکاملی هدف های نخستین بانک سرمایه داری است. وقتی فعالیت های نوع اول بانک ها جنبه اساسی پیدا کند در بررسی دقیق می بینیم در این نوع فعالیت ها، دو مساله مهم مورد نظر است. یکی موضوع اقتصاد خود سرمایه، یعنی ازدیاد سرمایه و گسترش آن و دیگری مربوط به مکتب اقتصادی یعنی چارچوب سرمایه داری به عنوان بنیاد مکتب اقتصاد در جوامع سرمایه داری به عبارت دیگر این موضوع مربوط می شود به نوع خدمت به سرمایه که مبتنی بر مکتب اقتصاد سرمایه داری می باشد و چنانکه توضیح خواهیم داد میان این دو مساله یک نوع رابطه دقیق و همبستگی محکمی وجود دارد.

حال قبل از آنکه حقیقت این دو مسئله را بشکافیم لازم است به دو معنی مختلفی که از سرمایه مورد نظر ما، صورت گرفته است، اشاره کنیم:

سرمایه به معنی مقصود عبارت از اموالی است که میتوان در کار تولید ثروت جدید آنها را شرکت داد. از این رو و بر این اساس وسائل تولید و مواد اولیه سرمایه حساب می شود و مقدار قابل توجهی از پول سرمایه نقدی به حساب می آید زیرا اگر پول زیاد و قابل توجه باشد در تاسیسات تولیدی مختلف می تواند نقش داشته باشد، ولی سرمایه نقدی پراکنده و کوچک هر چند سرمایه است ولی نمی تواند چنین نقشی ایفا کند.

ولی سرمایه به معنایی که در مکتب اقتصادی آمده مالی است که جدا از کار و عمل وسیله ای برای ازدیاد ثروت باشد یعنی وقتی سرمایه شد باید نه تنها وسیله تولید جدید گردد بلکه وسیله تولید ملکیتی جدید برای مالک در مقابل ملکیت سرمایه اش نیز باید باشد.

با این توضیح می توانیم دو مساله: اصل سرمایه و سرمایه از نظر سرمایه داری را تشریح نماییم.

اما مساله خود سرمایه در قسمت مربوط به فعالیت اول کار بانک سرمایه داری عبارت از سهم گذاری بانک در کار گسترش اقتصادی و به دست آوردن حداکثر امکان تولید است.

این عمل از طریق گرد آوردن پول های کم از صاحبانش انجام می گیرد مقدرهای ناچیز که بر اثر کوچک بودن مبلغ به تنهایی و به طور پراکنده هیچ گونه نقش مثبتی در کار تولید نمی تواند داشته باشد این مبلغ ها وقتی با هم جمع شد نیروی تولیدی عظیمی را تشکیل می دهد و پروبال خود را بر قسمت مهمی از تولید اجتماعی می گستراند یعنی از پول بی حاصل به صورت سرمایه نقدی اصیل در می آید و این کار بانک است که پول متفرق را جمع کرده و در راههای مولد به کار می گیرد و در رشد اقتصادی سهم بسزایی دارد ما در تعبیرهای خود این نقش را که بانک در زندگی اقتصادی ایفا می کند نقش مهم و اصیل بانک می نامیم و این نقش را بنای اقتصاد کار بانک می دانیم و مقصودمان از این تعبیر که این کار مهم و اصیل بانک است به این معنی است که این کاری است فی نفسه مهم و مشروع و در هر حال یک کار ضروری است و با قطع نظر از قالب های مکتب های اقتصادی جوامع، هر جامعه ای نیازمند به موسسه ای است که این عمل مهم را انجام دهد تا مقادیر پول منفی در کار اقتصاد را با هر دید اقتصادی که باشد به مقادیر مثبت تبدیل سازد لیکن با همه اهمیتی که این امر دارد و جنبه مکتب اقتصادی خاصی هم در آن تفاوت نمی کند بانک ها، در جوامع سرمایه داری برای تحقق بخشیدن به آن، از روش های مذهبی خود استفاده می کنند یعنی روشی را که برای تحقق بخشیدن به این امر مهم به کار می برند از ریشه نظریه سرمایه داری و مذهب اقتصادی سرمایه داری آنها سرچشمه می گیرد، زیرا بانک ها برای گرد آوردن پول های پراکنده نیازمند به وسیله ای هستند که بدان وسیله بتوانند این مبالغ پراکنده را، از تصرف صاحبانش به صندوق عمومی بانک بکشانند و تا وقتی صاحبان این پول ها بر طبق مذهب سرمایه داری از آزادی کامل بی قید و شرط بهره مندند، و جز برای سود و ازدیاد ثروت در مسیر زندگی سرمایه داری، حرکت نمی کنند، بدیهی است تنها راهی که بانک ها برای فریفتن مردم به سپرده گذاری در اختیار دارند، دادن سود و بهره است. از اینجاست که بانک سرمایه داری می کوشد هدف اصلی اش را روی اساس بهره پایه گذاری کند و به کسانی که سپرده می گذارند به نسبت چند درصد از ارزش سپرده بهره می پردازند تا انگیزه مادی آنان برای سپرده گذاری تقویت شود. چیزی که هست پیوسته می کوشد مقدار درصد بهره را، به اندازه ای کم کند که بین بهره ای که به سپرده ها می دهد، با سودهایی که از طریق به کار گرفتن این سرمایه ها به دست می آورد یا بهره ای که به وام های خود باید بپردازد فاصله زیادی، وجود داشته باشد.

اما مساله مهم بانک از نظر مذهب اقتصادی سرمایه داری اش در این است که نه تنها مبالغ پراکنده را به یک سرمایه به معنی واقعی می رساند بلکه به معنی و مفهوم مذهب سرمایه داری آن را

دگرگون می سازد و در نتیجه به طور دائم روابط سرمایه داری را در جوامع سرمایه داری عمیق تر و ریشه دار تر می گرداند.

برای اینکه بدانیم بانک، چگونه این عمل پراهمیت را انجام می دهد، لازم است قدری درباره این روابط در جوامع سرمایه داری بیشتر بررسی کنیم.

روابط سرمایه داری را اگر بشکافیم در حقیقت عبارتست از اینکه سرمایه را بدون کار، به جریان انداخته، باعث ازدیاد و رشد ثروت گردد. و این ازدیاد و رشد ثروت تا وقتی در قالب یک مکتبی اقتصادی قرار نگیرد، مفهومی نخواهد داشت.

مهم نیست که این مکتب اقتصادی در امر توزیع ثروت چه نظری داشته باشد، نظرش هر چه می خواهد باشد، مهم این است که در قالب یک مکتب اقتصادی رشد کند. زیرا اگر ما ثروت را از هر نوع چارچوب مکتب های اقتصادی، جدا سازیم و فقط نظر به ازدیاد ثروت داشته باشیم، ممکن نیست ثروتی را که از گردش کار و عمل خارج شده، تحمل ازدیادش را بکنیم.

ولی هرگاه منظور زیاد کردن ثروت مشخص باشد یعنی ازدیاد و رشد مال شخص معین منظور باشد می توانیم بپذیریم یعنی قبول کنیم فلان شخص بدون اینکه با ثروتش کاری انجام دهد تنها برای اینکه سرمایه دار است ثروتش افزون گردد بدلیل اینکه روابط سرمایه داری اینطور اقتضا می کند. بنابراین می توانیم اهمیت نظام و مکتب اقتصادی را در بانک سرمایه داری به خوبی درک کنیم.

اهداف تاسیس بانک در نظام سرمایه داری را در امور زیر می توان خلاصه کرد:

هدف اول: در بوجود آوردن سرمایه ای که با قدرت سرمایه داری، مالکیت سرمایه دار را فارغ از هرگونه عمل و کوششی گسترش دهد. مالکیت سرمایه داری که بدن عمل گسترش می یابد، از کجا فراهم آمده؟ این مالکیت از راه جمع آوری مبلغ های کوچکی فراهم آمده و از آنها سرمایه تشکیل شده و سرمایه می تواند مولد باشد و برای صاحبان پول های کوچک سود ثابتی به نام بهره داشته باشد.

هدف دوم: در بوجود آوردن مالکیت های خصوصی بزرگ، تا جایی که صاحبانش بتوانند زندگی اقتصادی را رهبری کرده و برای همه خط مشی تعیین کنند و براهی که می خواهند بکشاند زیرا فراهم آوردن مبالغ هنگفت، از پول های پراکنده، همانگونه از نظر تولید نیروی جدیدی برای سرمایه پدید می آورد، همانطور برای کسانی که بکار جمع آوری پول ها دست زده اند یعنی صاحبان بانک ها بدست می دهد این قدرت باعث می شود سرمایه داری در دست آنها جهش بزرگی به خود داده مالکیت های خصوصی بزرگ تشکیل گردد.

هدف سوم: در مسلط کردن نظام سرمایه داری حریص، به وسایلی که بتواند با هر خطری که از ناحیه سودهای درخواستی اش به عنوان بهره وام ها، مواجه است، خود را حفظ کند زیرا بانک وقتی سپرده

ها را از صاحبانش دریافت کرد و بهره ای برای آنها در حدی که صاحبان اموال را بسپردن مال هاشان قانع کرده باشد، قرار داد، بلافاصله خود بانک، شروع می کند همان مبالغی را که نزدش جمع شده با بهره ای بیشتر در حدی که تقاضاهای وام اقتضا کند، به وام دادن بدین ترتیب برای سرمایه داری سودی ثابت، دور از کار و فارغ از هر گونه خطری تامین می گردد.

هدف چهارم: در رساندن نیروی لازم کمکی به تاسیسات تولیدی سرمایه داری یعنی رساندن مال ضروری برای گسترش نیروی استثمار و کشاندن قدرت سرمایه داری را به اوج خود می باشد، زیرا صاحبان تاسیسات سرمایه داری با دایر کردن بانک، پشت گرمی محکمی بدست می آورند، سرچشمه جوشانی که تمام نمی شود و از راه وام هایی که به آنها امداد می رسد دائما می توانند سود سرمایه داری خود را گسترش داده و روابط سرمایه داری را ریشه دارتر کنند و در زندگی اقتصادی مردم بیشتر فرو روند.

باین ترتیب نقش مهم بینش اقتصادی بانک در جامعه سرمایه داری معلوم می گردد و با هدف های مکتبی اش بانک سرمایه داری می تواند این وظیفه را در کنار وظیفه اصلی اش انجام دهد و تا می تواند هر دو وظیفه را به صورت بهم وابسته، با وابستگی محکم و غیرقابل تفکیک در خلال تاثیر متقابل در یکدیگر، پیاده کند زیرا به همان اندازه که فعالیت بانک سرمایه داری در ازدیاد ثروت در جامعه موثر است به همان اندازه نیز نظام سرمایه داری را گسترش می دهد و روابط سرمایه داری را با همه اختلاف ها و تناقض هایش ریشه دارتر می گرداند.

مهمترین پرسشی که اکنون مطرح است این است که آیا اسلام در مورد بانک سرمایه داری چه نظر دارد و چگونه باید بانک متعهد اسلامی تشکیل گردد.

بدیهی است اسلام بانک سرمایه داری را به صورتی که شرح دادیم نمی پذیرد، زیرا:

اولا: با احکام شریعت اسلامی مخالف است و قانون مدنی فقه اسلام با کمال صراحت وام با بهره را ممنوع کرده است.

ثانیا: این بانک با بنیادهای اقتصاد اسلامی سازگار نیست و هیچ گاه با وجود این بانک نمی توان روح تعالیم اسلامی را در توزیع ثروت و بکار گرفتن آن تحقق بخشید.

روی این اصل فکر (بانک بدون ربا) پدید آمد تا بتواند طرح بانک اسلامی را پیاده کند اندیشه بانک بدون ربا برای اذهان غرب زدگانی که تسلیم صرف وضع فاسد موجودند و چیزی جز اندیشه غربی را در زندگی و موسسات اجتماعی شان نمی پذیرند سخت سنگین آمد تا جایی که یک فرد مسلمانی که مسیر انحرافی موجود در جامعه اسلامی مان او را در کشورش وزیر کرده بود، از این سنگینی و شگفتی پرده برداشت و با همه بچگی و سادگی اش به خود من گفت:

”من وقتی اسم بانک بدون ربا را شنیدم بهمان اندازه تعجب کردم که کسی از شنیدن ”یک دایره

چهارضلعی “تعجب کند.”

برای شناخت طرح “بانک اسلامی” باید به طور اساسی دو دیدگاه مختلف را از هم جدا سازیم: الف) دیدگاه کسی که می خواهد طرح بانک بدون ربا را در ضمن طرح کاملی برای جامعه بریزد یعنی بعد از اینکه رشته رهبری کامل را در همه شئون اجتماعی بدست گرفته آنگاه می خواهد برای بانک، نقشه اسلامی اش را به عنوان جزیی از تشکیلات کامل اسلامی برای همه جامعه طراحی کند. ب) دیدگاه کسی که می خواهد نقشه بانک اسلامی را بطور مستقل از سایر جنبه های اجتماعی طرح ریزی کند یعنی با فرض ادامه وضع فاسد و چارچوب اجتماعی غیراسلامی که در جامعه حاکم است و موسسات ربوی دیگر که از بانک ها و غیربانک ها وجود دارد و با گسترش نظام سرمایه داری که به تمام معنی در زندگی اقتصادی و زندگی فکری و اخلاقی مردم رسوخ کرده است. این دو دیدگاه با هم اختلاف اساسی دارند زیرا بنا بر دیدگاه دوم تنها باید در طرح بانک اسلامی برای نخستین اشکال و اختلافی که بین بانک سرمایه داری و اسلام وجود دارد، راه حل پیدا کرد یعنی برای مخالفتی که این بانک با احکام اسلام و قانون مدنی فقه اسلامی دارد.

در اینجا باید کوشش ها را بکار گرفت تا راهی بدست آورد که وام دادن و وام گرفتن برای بهره نباشد و در عین حال بانک بتواند در نظام غیر اسلامی منشا حرکت و تلاش برای زندگی بهتر باشد و بتواند با بانک های دیگری که بکارهای ربوی سرگردمند، رقابتش را حفظ کند و تا سرحد بر پا شدن بانک اسلامی کامل عملش را ادامه دهد.

ولی حل اشکال دوم در قالب این دیدگاه محدود، که نظام “طاغوتی” حاکم است، امکان پذیر نیست و نمی توان نقش بانک را در این نظام و فعالیت هایش را، با نظام اقتصاد اسلامی تطبیق داد و یا اقتصاد اسلام را، در “بانک بدون ربا” پیاده کرد. حتی مسئله حرمت ربا در این “بانک بدون ربا” که در جامعه غیراسلامی و در نظام غیراسلامی قرار گرفته به صورت مودای قانونی اش، قابل احتراز نیست هر چند هیچگاه در این فرض مفهوم مذهبی اش از نظر اقتصادی در شکل این بانک، تجسم نخواهد داشت.

زیرا هدف از حل اشکال نخستین چیزی جز این نیست که به تنهایی بتوان جامعه را از روش غیرقانونی “ربوی” که در اندیشه و فقه اسلام ممنوع تلقی شده نجات بخشید و جلو معاملات نامشروع ناشی از مبادلات ربوی را گرفت. ولی نتایج واقعی این هدف و مقاصدی که از حرمت و ممنوعیت نمونه های معاملات ربوی منظور است وقتی حاصل می شود که به ریشه کن ساختن مفهوم عمومی آن (استثمار) منتهی شود، وقتی که اقتصاد اسلامی بطور کامل از هر نظر در همه ابعاد زندگی پیاده گردد، زیرا نظام اسلامی اجزایش بهم وابسته است و تحقق هر جزئی از آن زمینه را برای موفقیت جزء دیگر در مقام عمل، فراهم می سازد و باعث می شود نقش مورد نظر اسلام در خارج

ایفاء گردد.

اما بنابر دیدگاه اول، که هدف ایجاد بانک اسلامی در جامعه اسلامی باشد نه ایجاد بانک اسلامی در یک جامعه غیراسلامی، این کافی نیست که از اشکال اول، تنها خود را نجات بخشیم بلکه باید در حل هر دو اشکالی که بین بانک سرمایه داری و اسلام وجود دارد، کوشش به عمل آوریم، و بکوشیم تا بانک اسلامی واقعی را که بخش اصیل و مهمی از تشکیلات کامل اقتصاد جامعه اسلامی را حائز است نه فقط تغییر اسم نسبت به بانک سرمایه داری، تحقق بخشیم.

روی این اصل از آغاز دو نوع فعالیت بانک سرمایه داری را از هم جدا می سازیم فعالیت برای تحقق اهداف سرمایه داری، و فعالیت برای انجام خدمات بانکی چنانچه سابقا گفتیم. اما فعالیت خدمات بانکی به شرطی مجاز است که در آنها نکات زیر رعایت شود:

۱) باید واقعا جنبه خدمت داشته باشد و اگر پولی دریافت می شود دقیقا در مقابل عملی که انجام می شود باشد. عنوان کارمزد نباید پوششی برای درآمدهای سرمایه داری و استثماری قرار گیرد.
۲) کاری که بانک انجام می دهد و در مقابلش کارمزد می گیرد از نظر اجتماعی زبانی به بار نیاورد و با مصالح جامعه هماهنگ باشد.

۳) معاملات بانک در مورد این خدمات با فقه اسلامی، مغایرت نداشته و با مضامین آن دقیقا منطبق گردد.

اما فعالیت بانک برای تحقق اهداف سرمایه داری چنانکه قبلا اشاره کردیم دو جنبه دارد، یکی از نظر خود سرمایه و دیگری از نظر طرز فکر و مکتب اقتصادی، بانک در جامعه اسلامی نقش اصلی اش را که در نظام سرمایه داری، دارد با قطع نظر از جنبه نظام و مکتب سرمایه داری اش، حفظ می کند. ولی مانند بانک سرمایه داری فعالیت های خود را از ریشه نظام اقتصاد سرمایه داری در زمینه فکری و روحی جامعه سرمایه داری، الهام نمی گیرد.

بلکه به جای استفاده از وسائل سرمایه داری برای تحقق بخشیدن به هدف رشد ثروت و سرمایه، از سائلی که متناسب با آهنگ اسلامی است، استفاده می کند. بدین ترتیب جامعه به همان نتایج رشد اقتصادی اش که از بانک سرمایه داری می رسد از کارهای این بانک می رسد، ولی در قالب اقتصاد اسلامی و محدود به حدود و مقرراتی که اسلام در این موارد وضع کرده است. و این امر نشانه یک تحول و دگرگونی بزرگی در فعالیت های بانکی است که می توان تحول مطلوب را در نکات زیر خلاصه کرد:

۱) کار جمع آوری پول و بکار گرفتن آن را در جامعه اسلامی باید دولت خودش از طریق بانک رسمی به عهده بگیرد و اجازه استثمار بانکی به هیچ عنوان به فرد یا جمعیت خاصی ندهد تا بدین وسیله هدف رشد اقتصادی، از مفهوم سرمایه داری اش، جدا گردد و کار جمع آوری پول، یک عمل اجتماعی

باشد که دولت اسلامی به وکالت از صاحبان سهام در آن تصرف می کند و هر نوع قدرت جدیدی که از آن بوجود آید، مال شخص یا افراد خاصی نخواهد بود و دیگر مثل آنها که قدرت بانکها را بدست آورده و زمام امور زندگی اقتصادی مردم را در جامعه سرمایه داری در دست می گیرند، عمل نخواهد شد.

۲) دولت نباید در جمع آوری اموال و مبالغ پراکنده و یا پول های ذخیره شده به عنوان راه سود ثابت به اسم بهره بانکی چنانکه بانک های سرمایه داری، انجام می دهند، مردم را بفریبد. خط مشی سیاست دولت در این زمینه باید ترکیبی از واقعیت ها یا حقایق از اقتصاد اسلامی و واقعیت هایی از سرچشمه قانون گذاری اسلام الهام گرفته، باشد.

مسائلی که از اقتصاد اسلامی باید رعایت شود باین شرح است:

الف) بهره بانکی مجاز نیست زیرا بهره در حقیقت یک نوع مزدی است که نظام سرمایه داری برای وام دهنده قائل است ولی در بینش اسلامی مزد وقتی قانونی است که در مقابل از دست دادن ذخیره کار مورد قرارداد برای انتفاع از آن باشد، و سرمایه نقدی کار ذخیره شده ای نیست که تقویت شود زیرا وقتی پول هنگام پرداخت وام، تماما بازگردد، چیزی تقویت نشده است از اینرو حساب بهره هیچ گونه مجوزی از نظر اسلام ندارد.

ب) اسلام، ذخیره کردن زر و سیم را که در راه خدا، انفاق نشود تحریم کرده، قرآن می گوید:

”کسانی را که زر و سیم اندوزند و در راه خدا انفاق نکنند به عذاب دردناک مژده بده“

طلا و نقره در حقیقت دو نمونه پول نقد است. و پول نقد فقط برای انفاق و هزینه است پس ذخیره کردن آن حرام است.

مفهوم ذخیره یک امر متعارفی است که بر وفق درجه امکانات گردش مال در زندگی اقتصادی و به میزان توانایی چرخاندن و بکار گرفتن آن، اندازه گیری می شود و به هر مقدار امکان تحرک مال زیادتر و قدرت بر فرماندهی روی آن گسترده تر باشد، راکد گذاشتن آن در فاصله نسبتا کوتاهی، ذخیره حساب می شود در صورتی که هرگاه امکان گردش آن محدودتر، و قدرت فرماندهی روی آن کمتر، و زندگی اقتصادی تا اندازه ای، راکد باشد، عنوان ذخیره مال به مدت زمانی بیشتر صدق می کند و شاید علت اینکه در تعلق زکات به طلا و نقره، گذشت یکسال نزد صاحبش به حال رکود مال وقتی ذخیره به حساب می آمد که مال یک سال تمام در دست صاحبش معطل بماند.

اندیشه حرمت ذخیره، و اندوختن طلا و نقره بر مبنای طرز تفکری است که اسلام نسبت به نقدینه دارد در نظر اسلام مبادلات در اصل روی اشیاء صورت می گرفته، وقتی پول نبود جنسی را می دادند و در مقابل جنس دیگری می گرفتند زیرا مبادله دو جنس تنها راهی است که برای تولید کننده نیازش را نسبت به کالاهای دیگر مرتفع می سازد.

بعد از اینکه پول پیدا می شود مقصود از آن، این نبود که مبادله کالا را متوقف سازد، بلکه تسهیلی است در کار مبادلات بود، به جای اینکه مبادله بین گندم و پنبه صورت گیرد، کشاورز گندم، گندم را به پول تبدیل می کند و از آن پول پنبه می خرد پس مبادله بین گندم و پنبه هنوز هست ولی این مبادله که قبلا با یک عمل انجام می شد حالا با دو عمل صورت می گیرد.

ولی هنگامی که پول وسیله "گنج" یا ثروت اندوزی شود و فروشنده گندم، گندمش را بیپولی بفروشد که آن را ذخیره کند و از آن پول دیگر پنبه خریداری نکند، معنی این عمل اینست که پنبه یا به تعبیر کلی تر جزئی از تولید کلی جامعه، باید از ورود به بازار عاجز گردد. و نتواند نقش خود را در مبادله بیپول نقد ایفاء کند و در نتیجه نتواند عمل تولید خود را از نو آغاز کند. و در مقابل برای کسی که پول نقد راه اندوخته امکانات تازه ای برای استثمار و رقابت در بازار پدید آید که قبلا برای او اگر مبادله به صورت صحیح انجام می گرفت، ممکن نبود.

ج) تشریح زکات در اسلام که یک نوع مالیاتی براندوختن زر و سیم، می باشد باین دلیل است که نسبت قابل ملاحظه ای از نقدینه (زر و سیم) به مدت یک سال به حال تعطیل، گذارده شده، حال اگر با توجه به آنچه سابقا گفتیم که میزان یک سال ممکن است با شرایط زندگی اقتصادی زمان تشریح، مربوط باشد و آنچه در بحث های خود از اقتصاد اسلامی متذکر شدیم که زکات یک موضوع قابل گسترش است و برای حاکم شرع قابل تطبیق با همه ثروت هایی است که مصلحت بدانند، می توانیم باین فکر اسلامی در جوهر و باطن عمومی آن برسیم، و آن اینکه با ذخیره کردن پول، از طریق وضع مالیات بر پول راکد، مبارزه کنیم. و این مورد یکی از مواردی است که خلاء قانونی دارد و باید وسیله رأی و نظر حاکم شرع بر طبق مصالح زمان پر شود و اول الامر عوامل گردش اقتصاد اسلامی را در حدود صلاحیتش در اینجا پیاده کند. بنابراین بنیاد مجتهد می تواند بر طبق صلاحیتش مالیات نامبرده را وضع نماید. و به هیچ وجه لازم نیست این مالیات از دست مردم جمع آوری شود بلکه می توان آن را به صورت های جدید دیگری تحصیل کرد. همچون روشی که بسیاری از مالیات ها و کارمزدهای دولتی، از راه چسباندن تمبر مالیاتی به نامه ها یا قراردادهای غیره دریافت می گردد. همان رویه را در مورد دریافت مالیات اندوخته های نقدی می توان بکار برد.

د) اخلاق و تربیت اسلامی، یک مسلمان را در جامعه اسلامی بر احسان، و گذشت "ایثار" و یک نوع عوض گزینی بر خلاف منطق عوض های مادی و مالی تربیت می کند، مسلمان در اصطلاح قرآن به تجارت غیرقابل خسران (تجاره لن تبود) عادت کرده و با تشویقی که قرآن به مساعدت مستضعفان و وام دادن به محتاجان با روح برادری و مهربانی و برای رسیدن به ثواب و اجر مغفرت، به عمل آورده است، اینها همه، زمینه ای فراهم می سازد و روحیه ممتازی می دهد که در آن زمینه خاص، انگیزه های خیرخواهی رشد کرده، شوق و رغبت بسیاری از مردم برای رسیده به خیر، تحریک می گردد.

نیاید فکر کرد این یک فرضیه ایدئالیستی در جامعه اسلامی است و شواهد فراوانی بر این حقیقت وجود دارد، یکی از آنها وجود صندوق های قرض الحسنه است که از چندی قبل از انقلاب اسلامی در ایران پایه گرفت و با تقویت احساسات خیرخواهانه و گذشت و ایثار بسیاری از مردم، قسمت هایی از اموال خود را بدون توقع بهره باین صندوق ها ریختند اگر این کار یکی از آثار تربیت اسلامی باشد، آنهم برای کسانی که هنوز در سایه نظام اسلامی زندگی نکرده اند، چرا نباید انتظارات بیشتری از آثار تربیت اسلامی در قالب نظام پیشرفته آن داشت.

۳) بعد از آنکه در نکته شماره ۲، شکل ترکیبی نظریه ای را که بانک اسلامی برای رسیدن به نقش فعال اقتصادی اش در زندگی، روی آن تکیه می کند، توضیح داده شد اکنون می پردازیم به راهی که بانک اسلامی بوسیله آن، پول های پراکنده را بدون وعده بهره و بدون بکار بستن روش های سرمایه داری جمع آوری می کند.

برای شروع کار بانک اعلان می کند هر کس بخواهد هر مقدار پولی را می تواند در بانک به امانت بسپارد و بانک حاضر است سپرده ها را بپذیرد قبول بانک به دو صورت می تواند باشد:

صورت اول: به عنوان وام با تضمین پرداخت آن از طرف بانک در اینصورت بانک بدهکار می شود و ودیعه گزار از مزایای بانک اسلامی به شرح زیر استفاده می کند:

الف) حفظ و نگهداری مال در بانک، یعنی بانک به ودیعه گزار اطمینان می دهد و تعهد می کند پول او را سالم نگهدارد و متعهد می شود هر وقت طرف بخواهد یا هر وقت قراردادش اقتضا کند به او مسترد گرداند.

ب) ارزش حقیقی پول را حفظ می کند، توضیح آنکه پول "بر اثر بالا رفتن سطح زندگی" پیوسته در تنزل است و تورم پول، عامل تنزل دائمی قدرت خرید نقدینه (زر و سیم) می گردد و در نتیجه تنزل در قیمت واقعی پول پدید می آید. اگر شخص بخواهد پولهایش را برای یک مدت طولانی نزد خود نگهدارد، در حقیقت صورت ظاهر اسکناس هایش حفظ شده اما ارزش حقیقی آنها پس از مدتی از دست رفته است. و از اینجا امتیاز مهمی که برای نگهداری اوراق بهادار در بانک به صورت وام سپرده می شود، ظاهر می گردد زیرا بانک ارزش واقعی آنها را تضمین می کند. اوراق نقدی "اسکناس" هر چند از اشیا "مثلی" است ولی مثل آن فقط برگ اسکناس نمی باشد بلکه اسکناس نشان دهنده قیمت حقیقی و واقعی آنست بنابراین هرگاه بانک هنگام پرداخت مثل، قرار بر این باشد که قیمت هنگام دریافت آن را بپردازد، ربا نخواهد بود و قیمت واقعی بر اساس طلا می باشد پس قیمت پول، قیمت صرف آن به طلا خواهد بود.

ج) رسیدن به اجر و ثواب اخروی در جایی که مبلغی را برای وام به محتاجان و بینوایان اختصاص داده می شود در اینصورت مبلغ مزبور را در صندوقی مخصوص به همین منظور نهاده و هیچ گونه حقی

برای سپرده گذار خارج از این امور به عهده بانک از بهره یا کارمزد نخواهد بود. صورت دوم: اینکه معاملات به صورت مضاربه یا واگذاری به بانک در آید و از بانک بخواهیم برای گردش پول آنرا در یکی از تاسیسات اقتصادی بکار برد. در اینصورت ودیعه گزار طبق قراردادی که با بانک روی آن توافق خواهد کرد نسبت به درصدی از سود حاصل از آن کار اقتصادی را برای خود اختصاص داده بقیه را به بانک وا می گذارد، بانک اگر خود مستقیماً کار اقتصادی را دست میزند بقیه سود برای خودش خواهد بود و اگر این کار را به یکی از مشتریان بر اساس قانون مضاربه واگذار کند، سود بین مشتری و صاحب مال تقسیم می شود و بانک می تواند حق دلالی و واسطه دائم بین دو طرف (صاحب مال، و کسی که آن را به کار گرفته) را دریافت کند میزان حق بانک به مقدار کاری که در این عمل واسطگی انجام می دهد.

معلم است در صورت دوم، دیگر ودیعه گزار در بانک تضمینی برای پولش در بانک نخواهد داشت و باید خسارت های بدون تعدی و تفریط را که پیش می آید، تحمل کند، زیرا ودیعه گزار در اینصورت در سود سهیم است و سود بدون کار، یا تحمل خطر معنی ندارد.

و در هر صورت مبلغ سپرده از مالیات ذخیره کردن معاف است. بنا بر آنچه که ذکر شد دانستیم عمل گردآوری اموال را، بانک از راه انگیزه های فراوانی انجام می دهد که در واقع انگیزه ها انجام این عمل را به عهده می گیرد و صاحبان مال را بسپردن اموالشان فراوان می خواند. انگیزه های نامبرده را می توان به شرح زیر از آنچه گفته شد خلاصه کرد:

۱) نگهداری پول و تضمین حفظ آن در صورتی که سپرده به شکل اول انجام شود.

۲) نگهداری قیمت واقعی پول در وقتی نتواند صاحب مال پول را نزد خودش حفظ کند.

۳) رسیدن بسود به نسبت معین در جایی که سپرده بصورت دوم باشد و صاحب مال خود را برای تحمل ضرر و خسارت اتفاقی اش آماده سازد.

و در پایان نجات از مالیات اندوخته ای که باعث کم شدن پول می شود در وقتی شخص بخواهد پولهایش نزد خودش حفظ کند.

باین انگیزه هایی که خاصیت مالی دارد یک نوع انگیزه دیگر از انگیزه های روحی را می افزاییم و نیز رسالت انسانی که فرد مسلمان در جامعه اسلامی دارد و خود را مسئول می داند و وظیفه دارد در رشد اقتصادی جامعه اش سهیم باشد و "هر چه می تواند از نیرو بکار برد" که قرآن فرموده اضافه می کنیم این احساس مسئولیت بزرگترین انگیزه در یک جامعه انقلابی اسلامی است که فرزندان انقلاب بخواهند آنرا رهبری کنند و اهداف بلند خود را پیاده سازند و نیز انگیزه احسان و ایثار (نیکی و گذشت) و برآوردن نیاز مستضعفان روی زمین، تا بتوانند وام بی بهره ای از بانک دریافت کنند. از خصلت های انقلابی است.

۴) وقتی کار جمع آوری پول انجام شد و بانک اسلامی توانست بر طبق آنچه ذکر شد همه مبالغ پراکنده را گردآورد تحت فرمان قرار دهد در مقام گردش آن دو نقش می تواند داشته باشد: نقش اول: نسبت به سپرده هایی که بصورت اول معامله شده در اینصورت بانک می تواند نقش خود را به صورت زیر ایفا کند:

۱) وام بدون بهره به نیازمندی که در زندگی خصوصی احتیاج به مصرف وام دارند، بدهد البته با توجه به پاره ای کارهای احتیاطی و تضمینی که اطمینان به بازگشت وام، حاصل شود.

۲) بکار گرفتن اموال در یکی از موسسات تولیدی که هماهنگ با چارچوب های اسلامی جامعه باشد وقتی بانک خود عمل اقتصادی را شخصا به عهده گرفت سودها، همه برای او یعنی برای دولت اسلامی می شود و اگر با اشخاص یا موسسات ذیصلاح برای انجام تاسیسات اقتصادی قرارداد بست سود بین طرفین بر طبق نسبتی که در قرارداد با هم توافق کنند، توزیع می شود.

۳) با وام بی بهره دادن به کسانی که از حداقل وسایل معیشت دستشان کوتاه است با شناختی که از امانت و لیاقتشان داریم وام بانک، آنها را برای بوجود آوردن تاسیسات تولیدی کوچک کمک می کند، بشرطی که مقرون به امدرزها و رهبری هایی باشد و ترتیباتی برای آنها اتخاذ شود که حسن گردش تاسیساتشان تضمین کند و پیوسته روی آنها نظارت شود.

نقش دوم: نسبت به سپرده هایی است که بصورت دوم به بانک تحویل شده در اینجا بانک باید در بکار گرفتن این اموال در یکی از موارد سومند تولیدی، اقدام کند اگر این کار را خود شخصا تعهد کرد سود بین او و صاحب مال تقسیم می گردد و اگر به شخص یا موسسه ای واگذار کرد، بانک نقش واسطه دارد و اجرتش را، دریافت می کند اما سود حاصل، بین شخص عامل که مستقیما دست بکار شده و صاحبان سپرده باید تقسیم شود.

و با ایفا نقش بانک در جامعه اسلامی به دو نقش که نامبردم بصورت کامل و صحیح آن، سرمایه داری به معنای خود سرمایه، به میزان قابل توجهی رشد می کند و با گسترش سرمایه می توان بسیاری از تاسیسات تولیدی فراهم ساخته کار تولید کرد. و در نتیجه گرایش بکار از ناحیه کسانی که بانک آنها را به کار دعوت می کند با توجه به اینکه دعوت بکار آنها به حساب بهره بانکی دادن نبوده بلکه بر مبنای داشتن کفایت و کاردانی در امر تولید و نیازی که داشته اند بوده است، توزیع عادلانه ثروت صورت می گیرد و بدین وسیله سرمایه کاملا در دست کارکنان و کارداناان مولد قرار می گیرد و بانک در همه این موارد نقش رهبری و ارشاد و زیر نظر داشتن آنها را دارد و بخش مهمی از ارزش های تولید شده و ثروتی که در دسترس قرار دارد سرمایه هایی است که به نام سود یا ربح در دست کارکنان و خود عامل ها است.

و دیگر بانک به تاسیسات سرمایه داری طفیلی که در جامعه سرمایه داری، واسطه بین تولید کننده و

مصرف کننده بود، وام نمی دهد، و بدین وسیله اینگونه تاسیسات طفیلی لاغر می شود و فاصله بین تولید کننده و مصرف کننده کم می شود، قیمت کالاهای تولیدی به قیمت واقعی اش نزدیک می گردد، یعنی از هزینه های خارج از تولید، که برای آماده کردن کالا در بازار در نظر گرفته شده می کاهد و در نتیجه اشکالی را که بانک سرمایه داری بین مصالح سرمایه داری ربوی و مصالح سرمایه داری بازرگانی و تولیدی بوجود آورده بود از میان بر می دارد.

زیرا هر قدر توجه به تولید و بازرگانی بیشتر شود و به دنبال سرمایه بیشتر تلاش به عمل آید، سرمایه دار رباخوار، قیمت بهره اش را برای جلب سود بیشتر بالا می برد و هرگاه بازار بازرگانی را کد باشد، قیمت بهره را بانک ها موافق قانون عرضه و تقاضا، پایین می آورند و این تناقض سرمایه داری است ولی در جامعه اسلامی این طور نیست وقتی بانک کارهایش را به کارداناان واگذارده وام بی بهره به فقرا بدهد، تاسیسات تولیدی کوچک به صلاح بانک ترتیب می دهند، و هر چقدر بیشتر به موارد تولیدی توجه شود، بانک بیشتر سرمایه خواهد داشت، به صورت قرض الحسنه یا مضاربه بپردازد. گذشته از اینها بانک، در مسائل اجتماعی از راه دادن وام های استهلاکی بدون بهره به نیازمندان و مستضعفان در موارد حاجت و بیکاری، همکاری می کند و بدین ترتیب بانک در جامعه اسلامی بخش اصلی اسکله اقتصادی آن را تشکیل می دهد.

اینست بنیادهای عمومی ایجاد بانک در جامعه اسلامی به صورتی که نقش اساسی در اقتصاد اسلامی دارد و می تواند با نقشی که بانک های جوامع سرمایه داری، در اقتصاد سرمایه دارند رقابت کند. و در بحث آینده شکل کامل پیاده شده این بنیادها را ان شا الله به تفصیل معترض خواهیم شد.

السید محمد باقر الصدر

نجف اشرف ۲۷ ج ۱، ۱۳۹۹ هـ

سایر جزوات

مبانی اقتصاد در جامعہ اسلام



شہید سید محمد باقر صدر
ترجمہ ہانی انصاری



نقدی بر نظام کاپیتالیستہ

قسمت ۱ از کتاب اقتصادنا



شہید سید محمد باقر صدر
ترجمہ محمد کاظم بجنوری



تصویری از اقتصاد اسلام



شہید سید محمد باقر صدر
ترجمہ جمال موسوی

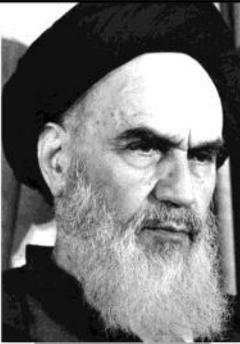


تحلیلی بر مسالہ شناخت



شہید سید محمد باقر صدر
ترجمہ محمد علی جواد





فرازی از پیام امام خمینے (ره)

به مناسبت شهادت شهید صدر

مرحوم آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او- که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود- به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیعہ شهادت رسیده اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیتہای عزیز از موالیان خود برده اند؛ و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است که امثال این جنایتکاران تاریخ از اسلاف ستم پیشہ خود می برند. شهادت این بزرگواران که عمری را به مجاہدت در راه اهداف اسلام گذرانده اند به دست اشخاص جنایتکاری که عمری به خونخواری و ستم پیشگی گذرانده اند عجیب نیست؛ عجب آن است که مجاہدان راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت پیشہ، دست خبیث خود را به خون آنان آغشته نکنند. عجب نیست که مرحوم صدر و همشیره مظلومه اش به شهادت نایل شدند؛ عجب آن است که ملتہای اسلامی و خصوصاً ملت شریف عراق و عشایر دجلہ و فرات و جوانان غیور دانشگاهہا و سایر جوانان عزیز عراق از کنار این مصایب بزرگ کہ به اسلام و اهل بیت رسول الله- صلی الله علیه و آله- وارد می شود بی تفاوت بگذرند و به حزب ملعون بعث فرصت دهند کہ مفاخر آنان را یکی پس از دیگری مظلومانه شهید کنند.

صحیفہ نور، ج ۱۲، ۲۵۴

